

استقلال و بی طرفی رسیدگی های قضایی در نظام کیفری بین المللی

احمد رضا توحیدی*

مهناز رشیدی**

چکیده

استقلال و بی طرفی در دادرسی عموماً به عنوان یک اصل به کار می رود و این دو عبارت تا حد زیادی با یکدیگر هم پوشانی دارند. با این حال، این دو اصطلاح مفهوم یکسانی ندارند. استقلال در دادرسی های بین المللی به معنای عدم تابعیت و عدم تأثیرپذیری دادگاه و دادرسی از فشارها و عوامل خارجی از جمله دولت ها، سازمان های بین المللی و افراد قدرتمند است. این مفهوم در نظام داخلی از نظریه تفکیک قوای مونتسکیو ناشی می شود و حاکی از عدم اعمال نفوذ قوه مجریه بر قوه قضاییه است. اما بی طرفی به معنای عدم جانبداری و عدم پیش داوری به نفع یکی از طرفین دادرسی است و اصولاً استقلال یکی از عوامل تأمین کننده بی طرفی می باشد. در مراجع کیفری بین المللی نیز این اصل همواره به عنوان یکی از اصول مهم دادرسی شناخته می شود و تلاش این دادگاه ها، چه در اساسنامه و چه در رویه های قضایی، این بوده است که به منظور مشروعیت بخشیدن به دادرسی ها و تشکیلات مراجع، تا حد ممکن اجرای این اصول را تضمین نمایند. مطالعه رویه های دادگاه های کیفری بین المللی معیار خوبی برای شناسایی موارد نقض استقلال و بی طرفی به دست می دهد؛ که همان تشخیص نقض از دید «ناظر متعارف کاملاً آگاه» و تأثیر فاحش آن بر حق متهم بر دادرسی عادلانه است. همچنین در دادرسی ها عموماً اصل بر بی طرفی و استقلال است و افرادی که خلاف آن را ادعا می کنند، می بایست دلایلی قوی برای اثبات ادعای خود ارائه نمایند.

کلیدواژه ها: استقلال دادگاه، بی طرفی قضایی، نظام کیفری بین المللی، ناظر متعارف آگاه.

* عضو هیأت علمی گروه حقوق بین الملل دانشگاه قم (نویسنده مسئول) Tohidi2004@yahoo.com
** کارشناسی ارشد حقوق بین الملل mahnazrashidi88@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۱۳

مقدمه

حق بر دادرسی عادلانه از اساسی‌ترین حقوق بشری به شمار می‌رود که در دادرسی‌های جزایی به وسیله چند حق عینی شناخته می‌شود: مثل حق بر بی‌گناه فرض شدن متهم، حق بر دفاع توسط خود فرد یا وکیل، حق بر دادرسی بدون تأخیر و حق بر حمایت در مقابل عطف به ماسبق شدن قوانین جزایی. اما رعایت چنین تضمین‌هایی در همه پرونده‌ها و شرایط، دادرسی عادلانه را تضمین نمی‌کند. حق بر دادرسی عادلانه وسیع‌تر از مجموعه تضمینات فردی است و به رفتار و عمل تشکیلات دادرسی و دادگاه نیز بستگی دارد. به همین دلیل اصل استقلال و بی‌طرفی در دادرسی یکی از اصول مهم تضمین حق بر دادرسی عادلانه است. لذا این اصل در همه نظام‌های حقوقی جا افتاده^۱ و در همه اسناد مهم منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر مورد اشاره قرار گرفته است.

ایجاد مراجع کیفری بین‌المللی، به‌ویژه دیوان کیفری بین‌المللی، برای اجرای دادرسی عادلانه در سطح جهانی است. از آنجا که صلاحیت این دادگاه رسیدگی به جنایاتی است که اصولاً توسط قدرتمندان، سران نظامی و سیاسی کشورها انجام می‌شود، بررسی چگونگی تضمین اجرای این وظیفه و لوازم اعمال آن، که اصل استقلال و بی‌طرفی دادرسی یکی از آنها می‌باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله تلاش بر این است که ضمن شناسایی اصل استقلال و بی‌طرفی در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، مصادیق اجرای آن در اساسنامه و رویه دادگاه‌های رواندا، یوگسلاوی سابق، دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی ذکر شود.

۱. مفهوم و جایگاه اصل استقلال و بی‌طرفی قضایی

در این بند به مطالعه مفاهیم بی‌طرفی و استقلال، رابطه این دو مفهوم با یکدیگر و جایگاه آنها در اسناد بین‌المللی می‌پردازیم.

۱-۱. بی‌طرفی

به دلیل انتزاعی بودن مفهوم بی‌طرفی، که از اخلاقی بودن آن ناشی می‌شود، تعریف لغوی این اصطلاح قدری دشوار است. با این حال گفته می‌شود: «بی‌طرفی در اصطلاح سیاسی عمل و حالت بی‌طرف است. تصمیم عدم دخالت در امور سیاسی یا

۱. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیراجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۵.

عدم دخول در جنگ که کشور سومی به خود می‌گیرد، چون دو دولت در حال جنگ یا تیرگی مناسبات سیاسی باشند. عدم دخالت در دسته‌بندی‌های سیاسی، عدم تعصب و جانبداری.^۱ این واژه در لسان حقوقی، ناظر بر این است که تصمیمات باید مبتنی بر معیار عینی باشد نه بر اساس تبعیض، پیش‌داوری بر اساس دلایل نادرست یا ترجیح یک نفع شخصی نسبت به دیگری. بنابراین، بی‌طرفی معمولاً به عدم پیش‌داوری یا جانبداری، خواه نسبت به یک عقیده و رویکرد باشد و خواه نسبت به فرد، گروه، حزب یا قوم خاص اشاره دارد.^۲ از این تعاریف برمی‌آید که بی‌طرفی به معنای بی‌نظری و خنثی بودن نیست. مسلماً هر شخصی با توجه به عقاید و علایق خود به سمت یک نظریه یا رویکرد بیشتر متمایل است، اما بی‌طرفی در فرآیند دادرسی به معنای «عدم التزام به حفظ یا حمایت از منافع یکی از طرفین بدون در نظر داشتن قانون و حقیقت و معیارهای عینی است».^۳

بر خلاف تصور معمول، بی‌طرفی تنها مربوط به شخص قاضی یا دادرسی نمی‌باشد. بی‌طرفی باید مربوط به کل سیستم دادرسی باشد که قاضی نیز جزئی از این سیستم است و به همین دلیل است که در اسناد جهانی و منطقه‌ای از بی‌طرفی دادگاه سخن گفته شده است و نه صرفاً بی‌طرفی قاضی.

مسلم است که در یک دادرسی منصفانه تنها جانبداری اصحاب دعوا و وکلای آنان پذیرفتنی است و دیگر اجزای دادرسی اعم از قاضی، شاهد، کارشناس، عضو هیأت منصفه و مترجم مکلف به بی‌طرفی هستند. از این رو گفته می‌شود: «بی‌طرفی هم حق مشترک اصحاب دعواست و هم تکلیف مشترک افراد دخیل در دادرسی».^۴ زیرا مبنا و اساس بی‌طرفی به برابری حقوقی افراد که از جمله حقوق بنیادین بشری است برمی‌گردد.

حق برابری را می‌توان به عنوان مبنای اصل بی‌طرفی به شمار آورد. این حق مقدم بر قانون و برتر از آن است و اقتضا دارد که در دادرسی کیفری، با افراد بی‌طرفانه رفتار شود. زیرا در فرض برابری طرفین، جانبداری از یکی از طرفین امری غیرقابل توجیه است.^۵

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۴۵۴۶.

۲. فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۲.

۳. ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹، ص. ۲۹.

۴. ناجی زواره، مرتضی، همان، ص. ۲۹.

۵. ناجی زواره، مرتضی، «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ - ۵۶، ۱۳۸۵، ص. ۳۴.

۲-۱. استقلال

استقلال^۱ در لغت به معنای عدم وابستگی، تحت نفوذ چیزی یا جایی نبودن، ضابط امر خویش بودن و به خودی خود به کاری بر ایستادن بدون شرکت دیگری می‌باشد و در واقع به معنای «آزادی از تأثیر، فارغ از تأثیر» و «تحت کنترل دیگری نبودن» است.^۲ این معنای معمولی به نحوی در تعریف حقوقی استقلال قضایی به معنی «عدم فرمانبرداری از هر ارگان دیگری از دولت، به خصوص قوه مجریه» مورد تأکید واقع شده است. به طور خاص، استقلال قضایی به این اشاره دارد که قضات، نویسندگان تصمیم‌های خودشان هستند و اینکه آنها باید آزاد از هر تأثیر نامناسبی باشند. البته در مقررات بین‌المللی حقوق بشر مربوط به دادرسی عادلانه، و نیز در مقررات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که استقلال و بی‌طرفی دادگاه یا قضات شرط شده، واژه استقلال به طور صریح تعریف نشده است، و آنچه مکرراً بیان گردیده، این است که دعاوی مدنی یا اتهامات کیفری باید توسط دادگاه یا دیوانی مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود، یا آنکه قضات باید مستقل باشند. لیکن با توجه به تضمین‌هایی که برای استقلال پیش‌بینی شده و یا موانعی که برای آن برشمرده شده است، می‌توان مفهوم آن را به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی تعبیر نمود.^۳ به عبارت دیگر، گفته شده است که هرگاه مراجع و قدرت‌هایی در پی آن باشند تا با نفوذ و تأثیرگذاری بر دادگاه یا قضات رأی و تصمیم آنها را متأثر سازند، و دادگاه یا قضات فاقد ابزار و تضمین‌های لازم برای مصون ماندن از چنان تأثیری باشند، فاقد استقلال خواهند بود.^۴

۳-۱. رابطه بی‌طرفی و استقلال

مفاهیم استقلال و بی‌طرفی با یکدیگر رابطه نزدیکی دارند و در موارد بسیاری، ارگان‌های کنترل‌کننده قضایی بین‌المللی این دو مفهوم را مشترک با یکدیگر می‌پندارند و آنها را همراه با هم به کار می‌برند.^۵ با این حال با دقت در معانی ارائه‌شده برای این دو اصطلاح، درمی‌یابیم که این دو در مفهوم یکسان نیستند. استقلال به معنای عدم وابستگی تشکیلات دادرسی به ارگانی دیگر است اما بی‌طرفی به این معناست که قاضی و دادگاه به نفع یکی از طرفین تعصب نداشته باشد و با جانبداری رفتار نکند.

1. Independence.

2. Collin, Peter, Dictionary of Law, Fourth Edition, Bloomsbury Publishing, 2004, p. 152.

۳. فضائی، مصطفی، منبع پیشین، ص. ۱۸۰.

۴. همان.

5. Office of the High Commissioner for Human Rights in Cooperation with the International Bar Association, Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers, Chapter 4, United Nations, New York and Geneva, 2003, p. 119.

از مقایسه مفاهیم استقلال و بی‌طرفی می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که استقلال قضایی یکی از ابزارهای لازم و اساسی تأمین‌کننده بی‌طرفی است، اما تنها شرط کافی برای تأمین بی‌طرفی نیست.^۱ برای تأمین بی‌طرفی، پیش‌شرط‌های دیگری جز استقلال، لازم است؛ از جمله علنی‌بودن دادرسی، مصونیت دادرسان و مستدل، مستند و موجه بودن رأی. از این‌رو، دایره مفهوم بی‌طرفی گسترده‌تر از استقلال می‌باشد. یک دادگاه ممکن است مستقل باشد، اما هنوز نسبت به یکی از طرفین جانبداری کند. در حالی که اصولاً دادگاهی که مستقل نباشد با جانبداری رفتار می‌کند و مشکل است که بفهمیم چگونه برای مثال در یک پرونده جزایی، دادگاه می‌تواند مستقل نباشد و در عین حال، همچنان با بی‌طرفی رأی دهد. مطمئناً در همه پرونده‌های جزایی، به خصوص جایی که یک دولت درگیر است، فقدان استقلال یک قاضی یا دیگر عناصر دخیل در تشکیلات دادرسی، جانبداری به معنای عدم بی‌طرفی را نتیجه خواهد داد.

با وجود تمایز این دو مفهوم از یکدیگر، وجود هر دوی آنها در جریان دادرسی موجب تأمین حق دادرسی عادلانه و منصفانه خواهد بود و عدم وجود هریک، عادلانه‌بودن جریان دادرسی را مختل خواهد کرد.

۴-۱. استقلال و بی‌طرفی در اسناد بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های توسعه حقوق بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم تمایل همیشگی به حمایت از حقوق بشر بوده است. حق بر دادرسی عادلانه یکی از مصادیق حقوق بشری است که به‌طور گسترده در اسناد مربوط به حقوق بشر ذکر شده است که مهم‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

- ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است: «هرکس حق دارد در تصمیم‌های مربوط به حقوق و تعهدات خود یا هر اتهام جزایی که به او وارد شود، با تساوی کامل، از یک رسیدگی منصفانه و علنی در دادگاهی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد.»
- بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مبین آن است که «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری مساوی هستند. هرکس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تشکیل شده است، رسیدگی شود...»
- اساسنامه رم به عنوان سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در مواد مختلفی در این رابطه سخن گفته است. مثلاً در بند نخست ماده ۶۷ بیان داشته است:

۱. ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، منبع پیشین، ص. ۲۹.

«برای تصمیم‌گیری درباره هر اتهامی، متهم حق دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه، به شکل علنی، عادلانه و بی طرفانه، و با رعایت تضمین‌های حداقل زیر با برابری کامل محاکمه شود ...». همچنین در ماده ۱۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تأکید شده که محاکمه جنایتکاران جنگی و جرایم موضوعه این اساسنامه در کشورهای متبوع متهمان در صورتی قانونی است که بر اساس اصول دادرسی منصفانه و توسط دادگاهی مستقل و بی طرف باشد. بنابراین چنانچه ناقضان حقوق بشردوستانه در کشور متبوع خود در دادگاه غیرمستقل تحت تعقیب قرار گیرند، احکام صادره درباره آنها ارزش حقوقی نداشته و دیوان کیفری بین‌المللی خود رسماً رسیدگی خواهد کرد.

- در اساسنامه دادگاه رواندا مواد ۱۱ و ۱۲ مربوط به استقلال و بی طرفی قضات دادگاه می‌شود و ماده ۱۵ استقلال دادستان را مطرح می‌کند. ماده ۹ اساسنامه این دادگاه نیز یکی از عوامل لزوم رسیدگی مجدد در دادگاه رواندا را در فرض رسیدگی قبلی در دادگاه‌های داخلی، عدم رعایت اصل استقلال و بی طرفی در دادگاه‌های داخلی عنوان کرده است. این مورد در بند ب ماده ۱۰ دادگاه یوگسلاوی سابق نیز آمده بود و نیز مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه این دادگاه در مورد ویژگی‌های قضات به استقلال و بی طرفی اشاره کرده و در ماده ۱۶ عمل مستقلانه دادستان را مدنظر قرار داده است.

- مؤسسه حقوق آمریکا با همکاری مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی، مجموعه‌ای را با عنوان اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی پیشنهاد نموده که در آن تلاش شده است تا استانداردهای لازم‌الرعایه در تمامی شیوه‌های حل و فصل اختلافات که مورد قبول و احترام تمامی نظام‌های مدرن حقوقی هستند، در قالب مواد مشخصی جمع‌آوری شود.^۱ در اصل اول این مجموعه در ۵ محور به اصل استقلال و بی طرفی پرداخته شده است.

- ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹، ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (۱۹۸۱)، اصول اساسی در مورد استقلال قوه قضائیه مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان که در سپتامبر ۱۹۸۵ در شهر میلان ایتالیا برگزار شد و ماده دوم دو قطعنامه مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۸۵ نیز به همین موضوع می‌پردازند.

۱. رزاقی، کیانوش، «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۵، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۳.

بنابراین می‌توان گفت که نمونه‌های ذکر شده از جمله مهم‌ترین اسنادی هستند که اصل استقلال و بی‌طرفی قضایی را مدنظر قرار داده‌اند. بی‌شک امروزه این اصل، به دلیل پذیرش گسترده در همه نظام‌های حقوقی و اسناد مهم حقوق بشری، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی شناخته می‌شود.

۲. اصل استقلال و بی‌طرفی در نظام حقوقی

در این قسمت که بخش اساسی پژوهش حاضر می‌باشد، ضمن اشاره کوتاهی به اصل استقلال و بی‌طرفی در مراجع قضایی داخلی و نیز دادگاه اروپایی حقوق بشر، به عنوان نمونه‌ای از یک دادگاه منطقه‌ای، این اصل را در رویه مراجع کیفری بین‌المللی مورد مطالعه و ارزیابی قرار خواهیم داد.

۲-۱. استقلال و بی‌طرفی در محاکم داخلی کشورها

لزوم رعایت استقلال و بی‌طرفی در محاکم داخلی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است و در قوانین مدون کشورها و نیز رویه قضایی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال در نظام حقوقی ایران که اصول مختلف قانون اساسی من جمله اصول ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۴ به ترتیب به استقلال قوه قضاییه، نحوه گزینش قضات عادل و شایسته، مصونیت قضات و عدم نقل و انتقال قضات اشاره می‌کنند، بیان‌کننده استقلال و بی‌طرفی در سیستم قضایی ایران هستند. به علاوه در قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری هم، به خصوص موارد رد دادرسی و همچنین ایجاد نهاد دادسرا، علنی بودن دادرسی و تحقیق از گواهان و کارشناسان به مصادیق رعایت این اصل توجه شده است (ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات سال ۱۳۸۱ و مواد ۱۵۱، ۱۹۶ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، مواد ۳، ۴۲۱ و ... آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۴۷، ۹۱، ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

در قوانین کشورهای دیگر نیز به خاطر رابطه این اصل با حقوق بشر در اصول اساسی کشورها، به اصل استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی توجه شده است. برای مثال «اصل ۱۳۸ قانون اساسی الجزایر بیان می‌دارد: قوه قضاییه مستقل است و در چهارچوب قانون عمل می‌کند و به موجب اصل ۱۴۷ قاضی فقط تابع قانون است. همچنین بر اساس اصل ۷۶ قانون اساسی ژاپن کلیه قضات در صدور رأی خود مستقل و فقط تابع قانون اساسی و سایر قوانین می‌باشند. در بند یک اصل ۱۵۱ قانون اساسی بلژیک آمده است

که قضات در اعمال اختیارات قضایی خود مستقل می‌باشند. قانون اساسی افغانستان به موجب اصل ۱۱۶ و قانون اساسی عراق نیز به موجب اصل ۴۳ استقلال قوه قضاییه را تضمین می‌کنند.^۱

رویه قضایی برخی از کشورها نیز حاکی از اهمیت رعایت این اصل می‌باشد. برای نمونه: در قضیه *والنته*^۲ در دادگاه عالی کانادا تمایز این دو مفهوم به صراحت بیان شده است. در نظر این دادگاه بی‌طرفی به معنای ذهنیت و نظر دیوان نسبت به طرفین در یک پرونده خاص می‌باشد اما استقلال به رابطه دادگاه و تشکیلاتش با ارگان‌های دیگر به خصوص قوه مجریه مربوط می‌شود. همچنین در پرونده *لیپه* در کانادا راجع به رابطه استقلال و بی‌طرفی گفته شده است که «استقلال قضایی برای درک بی‌طرفی توسط عموم اساسی است. استقلال قضایی برای بی‌طرفی قضایی نقشی بنیادین دارد و پیش شرطی ضروری برای آن تلقی می‌شود.»^۳

۲-۲. استقلال و بی‌طرفی در دادگاه اروپایی حقوق بشر

دادگاه اروپایی حقوق بشر، به عنوان نمونه‌ای از یک دادگاه منطقه‌ای مهم، ارگان قضایی ایجادشده در سال ۱۹۵۹ است و وظیفه نظارت بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) را عهده‌دار می‌باشد. پیش‌تر به این نکته اشاره کردیم که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق بر دادرسی عادلانه و لزوم رسیدگی به دعاوی اشخاص در دادگاهی مستقل و بی‌طرف پرداخته است. این دادگاه در پرونده‌های متعدد^۴ صراحتاً تأکید کرده است که دو مفهوم استقلال و بی‌طرفی با یکدیگر مرتبط هستند و باید در دادرسی به همراه هم مورد توجه قرار گیرند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر به منظور تشخیص رعایت اصل استقلال معیارهای خاصی را در نظر گرفته است که از جمله آنها می‌توان وضعیت استخدام اعضای دادگاه و دوره تصدی آنها، غیر قابل انتقال بودن قضات، وجود تضمین‌های کافی برای مقابله با فشارهای خارجی در انجام وظایف دادگاه و احراز استقلال در ظاهر دادرسی را نام برد.

۱. بهمنی، اسماعیل، استقلال قضایی از منظر اسناد بین‌المللی با نگاه به حقوق داخلی (قسمت دوم)، نشانی سایت اینترنتی (بازدید: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷):

-<http://www.politicss.blogfa.com/post-44.aspx>.

2. Valente v. R [1985] SCR 673, 23 CCC 3d 193 (Can. 1985), at 201-202.

این پرونده در سال ۱۹۸۵ منجر به صدور رأی دادگاه عالی کانادا در حمایت از استقلال قضایی طبق بخش ۱۱(د) منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها گردید.

3. Lippe [1991] 2 SCR 114, 64 CCC 3d 513,530.

4. Findlay v United Kingdom, Reports 1997_I, 263, (1997) 24 EHRR 211, para. 73; also Incal v Turkey, Reports 1998_IV, 1547, (2000) 29 EHRR 449, para 65; Sener v Turkey, No.26680/95, (2003) 37 EHRR 34. Para. 56.

به عبارت دیگر استقلال در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر هم به این معناست که دادگاه نباید در اجرای وظایفش تسلیم نظرات و پیشنهادات مقامات دیگر باشد. در خصوص مفهوم بی طرفی نیز، دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه‌های^۱ خود از دو معیار ذهنی و عینی^۲ استفاده کرده است. طبق نظر این دادگاه بی طرفی در مفهوم ذهنی یعنی چگونگی اعتقاد شخصی یک قاضی خاص نسبت به پرونده‌ای که نزد او مطرح شده است و مفهوم عینی به این معناست که آیا قاضی تضمین‌های کافی برای خارج کردن هر شک و ظن معقولی در این رابطه اتخاذ کرده است یا خیر.^۳ لازم به ذکر است که مفهوم بی طرفی عینی از لحاظ منطقی به ترکیب ظاهری دادگاه مربوط نمی‌شود، هرچند که در زمینه کیفری، مطالعه رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر چنین برداشتی را از مفهوم بی طرفی عینی ارائه می‌دهد.^۴ در واقع بی طرفی به این معنی است که آیا قاضی در برابر یک ناظر معقول یا یک شهروند معمولی می‌تواند ادعای بی طرفی کند یا خیر. در مفهوم عینی بی طرفی آنچه که اهمیت دارد حس اعتمادی است که دادگاه‌ها موظفند در اذهان عمومی جامعه و به‌ویژه در ذهن متهم به وجود آورند.

موضوع دیگری که معمولاً در بی طرفی عینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، حوزه فعالیت «غیرقضایی» یعنی تأثیر عوامل خارجی مانند وجود روابط خاص بین قاضی و یکی از طرفین دعوا و یا شرایط خاصی است که ممکن است بر روند عادلانه رسیدگی‌ها تأثیر بگذارد. برای مثال اگرچه معمولاً قضات در اغلب شرکت‌ها حق عضویت در احزاب سیاسی را ندارند اما در مواردی گرایش‌های سیاسی یک قاضی به قدری مشهود است که در مورد بی طرفی وی برای صدور رأی شک و تردید ایجاد می‌کند.^۵

۲-۳. استقلال و بی طرفی در مراجع کیفری بین‌المللی

یکی از مسائل مطرح در مورد صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، وابستگی آنها به دولت‌ها و نهادهای دیگر می‌باشد.^۶ این وابستگی در حوزه‌های

1. E.g. *Belilos v Switzerland*, Series A No. 132, (1998) 10 EHRR 466, PARA 67.

2.- subjective and objective

۳. آساکوچی، آندر، «استقلال و بی طرفی قضات: شرط بنیادین محاکمه عادلانه»، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۷، ۱۳۸۶، ص. ۶۱.

۴. قراچورلو، رزا، «انصاف و بی طرفی در دادگاه‌های اتحادیه اروپا طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، وکالت، شماره ۱۱، ۱۳۸۱، ص. ۳۵ -

۵. آساکوچی، آندر، منبع پیشین، ص. ۶۲.

6.- Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darryel; and Elizabeth Wilmschurst, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, New York, 2nd Edition, 2010, p. 432.

مختلف اداری، مالی، دسترسی به ادله و شهود مطرح می‌شود و زمانی نمود بیشتری می‌یابد که اراده کشورهای بزرگ و قدرتمند بر تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی واقع نشده باشد. به این دلیل که اکثر جنایات بین‌المللی توسط اشخاص قدرتمند و سران نظامی و سیاسی کشورها انجام می‌شود، طبیعی است که در فرض دستگیری و تحقیق و تعقیب متهمان، نظام‌های سیاسی کشورها باید امکانات لازم برای دسترسی به ادله و شهود را فراهم نمایند و در صورت عدم معاضدت کشورها، امکان دستیابی به یک دادرسی منصفانه، اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است.^۱ به دلیل اهمیت رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی چند نمونه از مهم‌ترین موارد این دادگاه‌ها، یعنی دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی را از این حیث مورد کاوش قرار داده‌ایم.

۲-۳-۱. استقلال و بی‌طرفی در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا

حدود ۵۰ سال بعد از ایجاد دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو به وسیله فاتحان جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی از طریق شورای امنیت سازمان ملل، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق را در ارتباط با بی‌رحمی‌های انجام‌گرفته در بالکان ایجاد کرد که هدف از ایجاد آن، تعقیب افراد مسئول برای نقض فاحش حقوق بشردوستانه انجام شده در سرزمین یوگسلاوی سابق بعد از سال ۱۹۹۱ بود.^۲

پس از تشکیل دادگاه یوگسلاوی، در پی درگیری‌های قومی در کشور رواندا در سال ۱۹۹۴ میلادی که موجب کشتار و قتل عام هزاران نفر گردید، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، دادگاه ویژه‌ای را با هدف تعقیب و مجازات مرتکبین به نسل‌کشی و دیگر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در رواندا و کشورهای همسایه ایجاد کرد.^۳

به محض شروع به کار این دو دیوان، استقلال قضایی آنها چالش‌برانگیز شد و به‌خصوص توسط متهمان مورد انتقاد قرار گرفت. برای مثال در پرونده‌های تادیچ در دادگاه

۱. صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸، ص. ۴۴.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: ذاکریان، مهدی؛ و مهدی آقاعلیخانی، «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، فعالیت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص. ۲۱۶-۲۲۴.

۳. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: طباطبایی، احمد؛ و حمید میری، «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، حقوق خصوصی، شماره ۹، ۱۳۸۴ -.

یوگسلاوی و نیز کانیاپاشی در دادگاه رواندا، هر دو متهم بیان کردند که دیوان‌ها فاقد استقلال هستند، زیرا آنها به وسیله یک ارگان سیاسی یعنی شورای امنیت ایجاد شده‌اند و همین‌طور بحث گزارش‌های سالانه این دیوان‌ها به شورای امنیت در پیروی از ماده ۳۵ اساسنامه مورد بحث واقع شد و بیان گردید که این تعهد باعث کاهش استقلال این دادگاه‌ها شده است. در پاسخ به اولین مسأله، هر دو دیوان مطرح کردند که همه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، تأسیس و قانون‌گذاری‌شان توسط یک ارگان سیاسی بوده است. درباره تعهد به گزارش به شورای امنیت، مقرر کردند که این یک ضرورت اداری است نه یک عمل قضایی و از این رو، این مسأله به هیچ‌وجه با بی‌طرفی و استقلال تصمیمات قضایی مرتبط نیست.

در مورد مشروعیت تصمیم شورای امنیت در ایجاد این دادگاه‌ها، «دبیر کل سازمان ملل در گزارش مورخ ۳ می ۱۹۹۳ در خصوص تأسیس محکمه یوگسلاوی سابق که به درخواست قطعنامه ۸۰۸ به شورای امنیت ارائه گردید، اعلام نمود: با توجه به ضرورت فوریت کار و اینکه برای ایجاد دادگاه‌ها از طریق انعقاد معاهده بین کشورها به زمان و فرصت کافی نیاز می‌باشد، تصمیم شورا را بر اساس فصل ۷ منشور قابل توجیه می‌داند.»^۱ اما همه این استدلال‌ها و توجیه‌ها نتوانسته است بحث استقلال قضایی این دو دادگاه را در اذهان مخالفان توجیه نماید. در عین حال این دو دادگاه در پرونده‌های مختلفی در خصوص استقلال و بی‌طرفی اظهار نظر کرده‌اند؛ از جمله:

در پرونده *دداستان علیه دلایک*، دادگاه یوگسلاوی سابق مجبور به تصمیم‌گیری در موضوع استقلال یکی از قضاتش شد که به عنوان معاون رئیس‌جمهور کشورش انتخاب شده بود و پس از بررسی‌های مختلف به این نتیجه رسید که بی‌طرفی قاضی مورد بحث با انتصاب در مقام جدیدش خدشه‌دار نشده است؛ به این دلیل که آن قاضی هنوز وظایف پست جدیدش را در حین رسیدگی به پرونده آغاز نکرده بود.

همین‌طور در پرونده *فوروندزیچا* در دادگاه یوگسلاوی، بحث بی‌طرفی قاضی مطرح شد و در این پرونده نیز معیارهایی برای رد بی‌طرفی قاضی بیان گردید که آن معیارها اجمالاً عبارتند از اینکه یک قاضی خودش طرف دعوا در یک پرونده باشد یا منافع مالی یا مالکانه در نتیجه پرونده داشته باشد و یا زمانی که تصمیم قاضی منجر به تقویت دلیلی شود که قاضی یا یکی از طرفین در آن نفعی دارند و معیار دوم این است که شرایط و اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که «ناظر معقول (متعارف) کاملاً آگاه»^۲ جانبداری را دریابد.^۳

۱. طباطبایی و میری، همان، ص. ۴۵.

2.- Reasonable observer, properly informed

3. Meron, Theodor, "Judicial Independence and Impartiality in International Criminal Tribunals", *The American Journal of International Law*, Vol. 99, No 2, April 2003, p. 367.

همچنین در این پرونده مطرح شد که اصل بر بی‌طرفی قاضی است و متهم برای ردّ بی‌طرفی باید دلایلی قوی ارائه نماید. از آنجا که در این پرونده متهم موفق به ارائه دلایلی قوی بر بی‌طرفی قاضی نشده بود، دادگاه به عدم صلاحیت و جانبداری قاضی رأی نداد.

دادگاه کیفری بین‌المللی برای روآندا نیز در پرونده کانیاپاشی، تمایز بین دو مفهوم استقلال و بی‌طرفی را این‌گونه بیان کرد که «استقلال قضایی به طور ضمنی به معنی آزادی از قید فشارهای خارجی و دخالت است و بی‌طرفی به طور عینی به معنی توازن منافع حقوقی در دادرسی شناخته می‌شود. با این حال این دو مفهوم با هم مرتبط هستند.» نهایتاً در این پرونده نیز بر عدم صلاحیت دادگاه به دلیل نقض بی‌طرفی و استقلال رأی داده نشد.

البته در اساسنامه و تشکیلات این دو دادگاه هم موارد تأمین‌کننده اصول استقلال و بی‌طرفی به وضوح مشاهده می‌شود. از جمله در مواد ۱۳ و ۱۴ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، قضات بنا به پیشنهاد شورای امنیت توسط مجمع عمومی سازمان ملل از میان نامزدهای منتخب دولت‌های عضو انتخاب می‌شوند و شورا موظف است در ترکیب این نامزدها توجه نماید که نمایندگان را از کلیه نظام‌های حقوقی دنیا در این فهرست انتخاب نماید.

دادستان نیز که با توجه به بند ۳ ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه روآندا در دو دادگاه مشترک می‌باشد، مسئولیت تحقیق و تعقیب متهمان را بر عهده دارد و با پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد توسط شورای امنیت به اتفاق آرا منصوب می‌شود و نباید هیچ توصیه و راهنمایی را از دولت‌ها و یا مراجع دیگر دریافت نماید (بند ۲ ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه روآندا). همچنین اقدامات دادستان تحت نظارت قاضی یکی از شعب بدوی قرار دارد که وظیفه بررسی و تأیید کیفرخواست‌های تقدیمی از سوی دادستان را به منظور تضمین بی‌طرفی و استقلال بر عهده دارد.

۲-۳-۲. استقلال و بی‌طرفی در دادگاه ویژه سیرالئون

دادگاه ویژه سیرالئون، یکی از دادگاه‌های نسل سوم کیفری می‌باشد که در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد و دارای ماهیت دوگانه ملی و بین‌المللی است. تفاوت این دادگاه با دادگاه‌های نسل قبل یعنی یوگسلاوی سابق و روآندا این است که به موجب تصمیم یک‌جانبه شورای امنیت تشکیل نشده و به دنبال درخواست دولت سیرالئون و بر اساس توافق‌نامه این دولت و سازمان ملل متحد تشکیل گردیده است. صلاحیت این دادگاه رسیدگی به جرایم اشخاصی است که از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ مرتکب نقض حقوق بشردوستانه و حقوق سیرالئون در این کشور شده‌اند.^۱

۱. رنجبریان، امیرحسین؛ و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی، «دادگاه ویژه سیرالئون: فرآیند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۳، ۱۳۸۹، صص. ۱۲۴-۱۲۳.

در ماده ۱۷ اساسنامه دادگاه سیرالئون، تحت عنوان حقوق متهم، به دادرسی عادلانه اشاره شده و در بند ۱ ماده ۱۳ در خصوص شرایط انتصاب قضات، بی‌طرفی و استقلال آنها قواعدی مقرر شده است. همچنین بندهای (الف) و (ب) قاعده ۱۵ قواعد دادگاه در مورد عدم صلاحیت قضات دادگاه در اثر نقض بی‌طرفی می‌باشد. البته در همین رابطه دادگاه سیرالئون در قضیه عیسی حسن سیزی به موضوع بی‌طرفی پرداخته است. در این پرونده، متهم، رسیدگی به عدم صلاحیت یکی از قضات دادگاه، قاضی روبرتسون^۱ را به استناد سخنانی که به وضوح حاکی از نظرات جانبدارانه قاضی علیه جبهه متحد انقلابی و نیروهای نظامی جبهه متحد انقلابی بود، درخواست کرد. موضوع اصلی در این پرونده سخنان و اصطلاحاتی بود که قاضی روبرتسون در کتاب خود با عنوان «جرایم علیه بشریت- مبارزه برای عدالت جهانی» در مورد جبهه متحد انقلابی بیان کرده بود که بر مبنای آن، شعبه پژوهش دادگاه عدم صلاحیت او را برای رسیدگی به دادرسی اعضای جبهه متحد ملی، به دلیل نظرات جانبدارانه، احراز کرد و بیان داشت که نظرات مندرج در کتاب، دلیل معتبری برای احراز جانبداری می‌باشد و دلیلی است که ناظر متعارف آگاه بر اساس آن نقض بی‌طرفی را درمی‌یابد. اما شعبه پژوهش درخواست دیگر مبنی بر ممنوع کردن قاضی روبرتسون از شرکت در کلیه تصمیمات اداری و قضایی دادگاه را نپذیرفت.^۲

در این دادگاه نیز در موارد مختلف به ناظر متعارف آگاه در تشخیص نقض بی‌طرفی توجه شده و جانبداری را از دو منظر ذهنی و عینی بررسی کرده است؛ به این معنا که نه تنها قاضی باید بی‌طرف باشد، بلکه باید این بی‌طرفی را در ظاهر نشان دهد و تا زمانی که دلیل معتبری بر نقض بی‌طرفی و استقلال وجود نداشته باشد، قاضی و دیگر اعضای دادگاه بی‌طرف فرض می‌شوند.

از بررسی‌های انجام شده در رویه قضایی محاکم بین‌المللی این طور فهمیده می‌شود که دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مورد احراز نقض بی‌طرفی و استقلال با احتیاط و وسواس زیادی برخورد می‌کنند و مهم‌ترین معیار را تشخیص «ناظر متعارف کاملاً آگاه» قرار می‌دهند و به طور کلی اصل بر بی‌طرفی و استقلال است، مگر اینکه دلایل معتبری بر خلاف آن موجود باشد.

۲-۳-۳. استقلال و بی‌طرفی در دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی یک ارگان مستقل مبتنی بر معاهده رم ۱۹۹۸ است و «مفهوم عدالت، عنصر اصلی متن اساسنامه این دیوان است، چرا که مشروعیت دادگاه

1. Justice Robertson

2. Decision in *Prosecutor v Issa Hassan Sesay et al.*, Case No. SCSL--04--15--PT.

به عادلانه بودن دادرسی وابسته است.^۱ در این اساسنامه، به‌روشنی استقلال و بی‌طرفی قضا، دادستان و معاونان دادستان و همچنین حق متهم به دادرسی عادلانه مورد توجه قرار گرفته است. این اساسنامه مقرراتی را برای هر دو نوع بی‌طرفی شخصی و سازمانی مقرر کرده است؛ از جمله بند ۱ ماده ۶۷ که به حق بر دادرسی عادلانه و منصفانه می‌پردازد و مواد ۳۶ (در خصوص صلاحیت‌ها و انتخاب قضا)، ۴۰ (استقلال قضا) و ۴۲ (استقلال، بی‌طرفی و صلاحیت دادستان) را تبیین نموده است. در این رابطه می‌توان به یکی از مهم‌ترین وجوه استقلال و بی‌طرفی، یعنی استقلال قضا و دادستان و دیگر اعضای دخیل در تشکیلات دادگاه و دادرسی اشاره نمود که اساسنامه این دادگاه به منظور تضمین و رعایت این اصل، مقرراتی را تدوین کرده است.

در مورد انتخاب قضا، ماده ۳۶ اساسنامه مقرر می‌دارد که انتخاب قضا توسط مجمع دولت‌های عضو اساسنامه و از میان قضا منته‌ب دولت‌های متعاقد به عمل می‌آید. همچنین ذکر شرط غیرقابل تجدید در مورد قضا و دادستان، یک روش مناسب برای تضمین استقلال و بی‌طرفی آنهاست. یعنی، قضا را نمی‌توان پس از خاتمه مأموریتشان مجدداً انتخاب نمود. این شرط با جلوگیری از طولانی شدن دوره تصدی قضاوت و ممانعت از امکان سوءاستفاده قضا از این منصب، تضمینی برای رعایت استقلال و بی‌طرفی می‌باشد.

از موارد دیگر حفظ و تضمین استقلال و بی‌طرفی قضا مندرج در اساسنامه عبارتند از خودداری آنها از شرکت در فعالیت‌هایی که استقلال آنها را خدشه‌دار می‌کند و یا بر اعتماد به استقلال آنها اثر سوء دارد (بند ۱ ماده ۴۰)، مصونیت از صلاحیت دولت‌ها و رد صلاحیت قاضی یا عزل و استعفای او در مواردی که قاضی نسبت به بی‌طرفی خود مردد باشد و یا زمانی که ممکن است به نفع یکی از طرفین در پرونده عمل کند (ماده ۳۴).

ماده ۴۲ اساسنامه هم شرایط خاصی را برای انتخاب و تعیین دادستان در نظر گرفته است. از جمله اینکه دادستان و معاونانش باید واجد سجایای عالی اخلاقی بوده و صلاحیت کافی و تجربه عملی قابل توجهی در تعقیب امور کیفری داشته باشند. همچنین دادستان با رأی مخفی اکثریت مطلق جمیع دولت‌های عضو انتخاب خواهد شد تا شناخت دول حامی تأثیری بر وام‌دار بودن دادستان نداشته باشد و جهت تضمین بیشتر استقلال دادستان و معاونانش مقرر شده است که اینان می‌بایست از اشتغال به هر شغلی که ممکن است با وظایفشان در امر تعقیب متهمان ناسازگار باشد یا موجب تردید در استقلال آنها شود، خودداری کنند و زمانی که بی‌طرفی آنها مورد تردید واقع می‌شود از مداخله در دادرسی ممنوع هستند (بند ۷ ماده ۴۲).

1. "Fairness at the International Criminal Court", An International Bar Association's Human Rights Institute Report, August 2011, p. 18.

به منظور تضمین استقلال دادستان در انجام وظیفه تعقیب و تحقیق، پس از مباحثات و اختلاف نظرهای گسترده، نهایتاً ماده ۱۳ اساسنامه سه طریق عمده برای به جریان انداختن یک پرونده در این دادگاه تعیین کرده است. اما نکته مهم این است که در دو مورد دیگر غیر از تصمیم دادستان، فرض ارجاع یک وضعیت توسط شورای امنیت و یا اعلام یک وضعیت توسط کشورهای عضو، این دادستان است که باید پس از بررسی ادله و شواهد ارائه شده، تصمیم بر تعقیب یا شروع به تحقیق در خصوص یک قضیه بگیرد. مضافاً اینکه به دلیل اهمیت موضوع، کنترل و نظارت قضایی شعبه مقدماتی دیوان، همواره بر عملکرد دادستان، از جمله در مورد بحث اخیر نیز وجود دارد.^۱

استقلال یا وابستگی دیوان کیفری بین‌المللی به دولت‌ها و نیز به سازمان‌های بین‌المللی، به خصوص سازمان ملل و شورای امنیت نیز همواره مورد بحث بوده است. در مورد مقرره‌ای که در اساسنامه دیوان، ضرورت انعقاد یک توافق‌نامه برای ارتباط با سازمان ملل را مطرح می‌کند (ماده ۲ اساسنامه)، گرچه این ارتباط اساساً ماهیتی حقوقی دارد، اما همچنان نگرانی‌هایی در مورد قدرت شورا به درخواست به تعویق انداختن رسیدگی و تعقیب متهمان (ماده ۱۶ اساسنامه) و نیز وابستگی دیوان کیفری بین‌المللی در تعریف جرم تجاوز به شورای امنیت وجود دارد.^۲

با این حال، وجود رابطه کاری شورای امنیت، به عنوان نهاد تأمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی با دیوان کیفری بین‌المللی، امری اجتناب‌ناپذیر است و باور جامعه بین‌المللی نیز بر این است که صلح پایدار بدون اجرای عدالت محقق نمی‌شود. بنابراین، باید تدابیری اندیشیده شود که ضمن حفظ استقلال دیوان از سازمان ملل، به رابطه کاری این دو نهاد با یکدیگر لطمه‌ای وارد نشود.^۳

به منظور حفظ استقلال کار دیوان از دولت‌ها و نیز برای اینکه دولت‌ها نتوانند از طریق عدم معاضدت قضایی و عدم همکاری با دیوان در کار این مرجع اختلال ایجاد کنند، دیوان باید صراحتاً از شورای امنیت درخواست نماید که امتناع دولت مذکور مشمول فصل هفتم منشور قرار گیرد.^۴

در رویه دیوان کیفری بین‌المللی، چند پرونده وجود دارد که در خصوص بی‌طرفی و استقلال و به ویژه بی‌طرفی دادستان در آنها اظهار نظر شده است:

۱. صابر، محمود، منبع پیشین، ص. ۸۵.

۲. Cryer and others, Op. Cit. p. 432.

۳. آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۷.

۴. براتی، شهرام، «صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۷.

در پرونده دادستان علیه قذافی شعبه پژوهش دادگاه در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲، دلایلی را که قذافی برای رد بی‌طرفی دادستان ارائه داده بود، رد کرد و به عدم صلاحیت دادستان در این پرونده رأی نداد. آقای قذافی ادعا کرد که تعلیق موقت و فوری دادستان به دو دلیل ضروری است: یکی از این دلایل این بود که قذافی نگران بود که گزارش در گزارشش به شورای امنیت سازمان ملل در ۱۶ می ۲۰۱۲ بی‌طرفانه و جامع گزارش نخواهد داد. دوم اینکه قذافی ادعا کرد که اگر دادستان مستقلانه و بی‌طرفانه در خصوص چالش پذیرش پرونده که نزد شعبه مقدماتی معلق بود عمل نکند، دچار پیش‌داوری خواهد شد و تمامیت دادرسی آسیب خواهد دید.

شعبه پژوهش دیوان کیفری بین‌المللی این گونه نظر داد که در حقیقت این دلایل برای اینکه نشان دهد دادستان به گونه‌ای رفتار خواهد کرد که آقای قذافی پیش‌بینی کرده‌است، کافی نیست. به علاوه حتی اگر دادستان جانبدارانه رفتار کند، شعبه پژوهش معتقد است که این حاکی از این نیست که چنین رفتاری منجر به ضرری غیرقابل جبران خواهد شد که به خاطر آن دادگاه پژوهش تصمیم به عدم صلاحیت دادستان بگیرد. در حقیقت، واقعیات اصولی، درخواست عدم صلاحیت در مورد اختلاف بین طرفین نیست، بلکه این حقایق شامل نظرات دادستان و سخنانش در بین جمع (به صورت علنی)، یا آنهایی است که به وسیله مجلات منتشر شده است یا در مورد کنفرانس مطبوعاتی وی با مقامات دولت لیبی است. علاوه بر این، دادستان با شبکه‌های خبری مختلف در ارتباط با چالشی که ممکن است لیبی در مورد پذیرش پرونده علیه قذافی در دیوان با آن روبه‌رو شود، صحبت کرده است. در مورد اظهارات دادستان در جمع، مجلات و نظایر اینها، که قذافی معتقد بود نقض حق بی‌گناهی متهم است، دادگاه بیان کرد که اگرچه اظهارات دادستان متناسب با اصل بی‌گناهی متهم نبود، اما این اظهارات موجب نقض بی‌طرفی دادستان نمی‌شود. دادگاه به معیار ناظر متعارف کاملاً آگاه (انسان متعارف) اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که چنین ناظری از وظایف دادستان آگاه است و می‌داند که سخنان دادستان بر پایه مستندات است که برای او آشکار شده است و قضات نهایتاً تصمیماتشان را بر پایه آن مستندات می‌گیرند و از این رو به عدم صلاحیت دادستان رأی نداد.

همچنین با توجه به ادعای دوم قذافی مبنی بر ارتباط دادستان با مقامات دولت لیبی در ارتباط با قابلیت استماع پرونده در دیوان کیفری بین‌المللی، شعبه پژوهش این طور اظهار کرد که سخنان دادستان مبنی بر اینکه لیبی حق تعقیب قذافی را دارد، تنها اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان را که در اساسنامه آمده است، مطرح می‌کند و در مورد امکان تعقیب به وسیله لیبی، دادستان مکرراً بیان می‌کند که قابلیت پذیرش پرونده در اختیار قضات است که در این مورد تصمیم بگیرند. اگرچه دادگاه بیان کرد که

به دو دلیل، برای دادستان مناسب نیست که در موضوع قابلیت پذیرش پرونده در دیوان صحبت کند: ۱. به منظور تأیید اینکه آیا یک پرونده در هر زمانی قابل پذیرش است یا نه، دادستان مجبور به بررسی فعالیت‌های دولت، قصد و اعمال آنها در تحقیق و تعقیب پرونده‌های خاص است که این لازم می‌دارد که دادستان با چنین دولت‌هایی ارتباط داشته باشد؛ و دوم، پیرو ماده ۳۹ (۱۰) اساسنامه، دادگاه از جمله دادستان، ممکن است با یک دولت همکاری کنند و در تحقیقات یا دادرسی جرایم داخل در صلاحیت دادگاه به آنها کمک کنند. اما حتی اگر همکاری و کمک دادستان بر تحویل یک پرونده نزد دادگاه تأثیر ناروایی داشته باشد اما چنین عملی را ناصحیح نمی‌کند. به این ترتیب، شعبه پژوهش دریافت که بیانات دادستان منجر به ظن عینی و معقول به بی‌طرفی او نمی‌شود و رأی به عدم صلاحیت دادستان بر این مبنا نداد.

پرونده دیگری که دادگاه در سال ۲۰۱۱ در موضوع آن اظهار نظر کرد، قضیه «مباروشیمونا» در مورد تصمیم در خصوص دفاعیه آقای امباروشیمونا برای دستور به حفظ بی‌طرفی دادرسی بود. دادگاه این طور رأی داد که مطلب مطبوعاتی که به دستور دادستان منتشر شده است، نقض بی‌طرفی دادستان را نشان نمی‌دهد. ادعای خواهان این بود که برخی از بیانات مندرج در گزارش مطبوعاتی، در تقابل با حق متهم بر دادرسی عادلانه‌ای است که از بی‌طرفی ناشی می‌شود و این مطلب با بدنام کردن متهم و اطلاق عنوان کسی که مرتکب نسل‌کشی شده است، اصل اولیه بی‌گناهی و براءت او را خدشه‌دار کرده است. شعبه بیان کرد که برخی از مقررات اساسنامه، مثل ماده ۵۴ (الف) بی‌طرفی دادستان را لازم می‌دارد و بیان می‌کند که به منظور کشف حقیقت «دادستان باید در مورد شرایط گناهکار بودن و یا بی‌گناهی به طور برابر تحقیق کند.» و اگرچه شعبه بیان کرد که در این پرونده این خطر وجود دارد که مطلب مطبوعاتی ممکن است جمعیت را به باور اینکه آقای امباروشیمونا در مورد جرایم ادعا شده گناهکار است، تشویق کند و موجب پیش‌داوری شود، اما با ارزیابی حقایق به‌وسیله دادگاه، این مورد آن چنان جدی نیست که بخواهد به درخواستی که در دفاعیه ارائه شده رأی دهد. با توجه به یافته‌ها و استدلال‌های موجود در پرونده، شعبه بیان کرد که موضوع نقض بی‌طرفی در این قضیه مطرح نمی‌شود.

رویه قضایی دیگر مربوط است به پرونده آقای لوبانگا که در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ دفاعیه وکیل آقای لوبانگا به شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی ارائه شد و در آن، از دادگاه بنا به دلایلی که یکی از آنها ادعای نقض تعهد دادستان بر عدالت و بی‌طرفی بود، خواسته شده بود که دستور به توقف دائمی روند رسیدگی بدهد. در خصوص این ادعا وکیل مدافع بیان کرده بود که دادستان عمداً در کشف هویت و موقعیت اجتماعی^۱

شهود قصور کرده و عاقدانه در تضمین اعتبار گفته‌های آنان کوتاهی نموده است. همین‌طور در دفاعیه ذکر شده بود که دادستان عمداً در انجام تعهدش (تعهد دادستان بررسی شرایط گناهکاری و بی‌گناهی به صورت مساوی است.) کوتاهی کرده است.

اما دادگاه درخواست توقف دائمی در روند رسیدگی را نپذیرفت و این‌طور رأی داد که توقف دائمی در روند پرونده یک اقدام شدید است و تنها زمانی که نقض این موارد به حدی فاحش باشد که اجرای عدالت در دادرسی ممکن نباشد و یا حقوق متهم به حدی نقض شده باشد که دادرسی عادلانه غیرممکن باشد، این امکان وجود دارد. اما مواردی که وکیل به آنها اشاره کرده است از جمله ادعای بی‌طرفی دادستان، موجب نقض فاحش عادلانه بودن دادرسی و در نتیجه توقف روند رسیدگی نخواهد شد.

از مطالعه این پرونده‌ها فهمیده می‌شود که استقلال و بی‌طرفی ارکان و تشکیلات دادرسی، اصلی بدیهی در روند رسیدگی‌ها شناخته می‌شود. کسانی که ادعای نقض استقلال و بی‌طرفی را دارند باید با ارائه دلایلی قوی خلاف آن را ثابت کنند و استدلال‌هایی که برای ادعای نقض این اصول ارائه می‌شود باید آن قدر جدی و با اهمیت باشد که دادگاه نتواند با وجود آنها اقدام به رسیدگی عادلانه کند. دادگاه‌های بین‌المللی برای ارزیابی نقض بی‌طرفی و استقلال در اکثر پرونده‌ها معیاری ارائه داده‌اند و آن ارزیابی از جانب یک «ناظر متعارف آگاه» است که به نظر می‌رسد معیار خوبی در این رابطه باشد. همین‌طور پرونده آقای لوبانگا با بیان اینکه توقف دائمی در جریان پرونده به استناد مواردی که عادلانه بودن دادرسی را نقض می‌کند، تنها در صورتی امکان دارد که این موارد واقعاً فاحش و غیرقابل تحمل برای رسیدگی عادلانه باشند، معیار دیگری در این خصوص به دست می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اصل استقلال و بی‌طرفی قضایی یکی از اصول مهم در تضمین عادلانه بودن دادرسی‌ها به عنوان یک حق بنیادین بشری است و اجرای آن در محاکم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است. اگرچه این دو اصل عموماً همراه یکدیگر به کار می‌روند اما مبین مفاهیم متفاوتی می‌باشند. بی‌طرفی مفهومی عام‌تر از استقلال دارد و استقلال یکی از لوازم اعمال بی‌طرفی است. اما این لزوماً بدان معنا نیست که دادگاهی که مستقل است، حتماً بی‌طرف هم هست و استقلال اگرچه لازم است اما برای اعمال بی‌طرفی، کافی نیست. همچنین در رویه‌های دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بی‌طرفی به معنای عدم جانبداری، دارای دو مفهوم ذهنی و عینی می‌باشد. مفهوم ذهنی بی‌طرفی ناظر بر عقیده شخصی دست‌اندرکاران سیستم قضایی، به‌ویژه قضات، نسبت به پرونده و طرفین آن می‌باشد. درحالی‌که بی‌طرفی عینی بیان می‌دارد که آیا جدا از رفتار شخصی قاضی، شرایطی وجود دارد که در بی‌طرفی او شک و تردید به وجود آورد یا خیر.

میزان تضمین رعایت اصل استقلال و بی‌طرفی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی هم در اساسنامه و ساختار دادگاه‌ها و هم در روند دادرسی‌ها قابل ارزیابی می‌باشد. از آنجا که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل دوم یعنی یوگسلاوی سابق و رواندا، بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت و دادگاه‌های نسل سوم نیز در طی موافقت‌نامه کشور درخواست‌کننده با سازمان ملل متحد تشکیل شدند، همواره بحث استقلال آنها از سازمان ملل متحد مورد انتقاد بوده است و اگرچه رویه قضایی این دادگاه‌ها بارها بر استقلال و بی‌طرفی آنها تأکید کرده است، اما همچنان این توجیه و استدلال‌ها نتوانسته است بسیاری از منتقدان را قانع کند.

در روند تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نهادی دائمی و مستقل از سازمان ملل تشکیل شد و در اساسنامه نسبتاً جامع آن، تلاش زیادی برای تضمین و اجرای اصل بی‌طرفی و استقلال و در نتیجه عادلانه بودن دادرسی‌ها، به‌ویژه در بحث استخدام قضات و دادستان و دیگر عوامل دخیل در دادرسی صورت گرفت. اما بحث رابطه دیوان با شورای امنیت و مقرراتی از اساسنامه که نفوذ و حضور شورای امنیت را در جریان رسیدگی‌های دیوان لازم می‌دارد، استقلال دیوان را مورد تردید قرار داده است و باید تدابیری اندیشیده شود که ضمن حفظ رابطه کاری شورای امنیت و دیوان از تأثیر منفی این رکن سیاسی بر رسیدگی منصفانه و مستقل پرهیز شود.

از مطالعه رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی درمی‌یابیم که آنچه لزوم رعایت اصل استقلال و بی‌طرفی را در دادرسی‌ها ایجاد می‌کند، حس اعتماد به عادلانه بودن رسیدگی‌ها است که دادگاه‌ها باید در اذهان عمومی جامعه و به‌خصوص در نظر متهم ایجاد کنند. اصل استقلال و بی‌طرفی اعضا و تشکیلات دادگاه، یک پیش‌فرض مسلم در دادرسی‌ها است. هر متهمی که بخواهد خلاف این اصل را ثابت کند باید دلایلی قوی، معقول و محکمه‌پسند ارائه نماید. ارزیابی این پرونده‌ها، با توجه ویژه به وقوع نقض یا عدم نقض این اصل از نگاه «ناظر متعارف آگاه»، لزوم فاحش بودن موارد نقض استقلال و بی‌طرفی و نیز تأثیر آنها بر عدم رعایت حق بر دادرسی عادلانه، معیارهای مناسبی را برای شناسایی شرایط اثبات عدم رعایت این اصل نشان می‌دهد. بنابراین معیارهای تشخیص رعایت اصل استقلال و بی‌طرفی یادآور این جمله معروف است که «عدالت نه تنها باید اجرا شود، بلکه اجرای آن باید قابل رؤیت باشد.»

منابع

- آل حبیب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.
- آساکوچی، آندر، «استقلال و بی‌طرفی قضات: شرط بنیادین محاکمه عادلانه»، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۷، ۱۳۸۶.
- براتی، شهرام، «صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ۱۳۸۲.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ذاکریان، مهدی؛ و مهدی آقاعلیخانی، «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، فعالیت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- رزاقی، کیانوش، «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۵، ۱۳۸۹.
- رنجبریان، امیرحسین؛ و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی، «دادگاه ویژه سیرالئون: فرآیند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۲۷، شماره ۴۳، ۱۳۸۹.
- صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، احمد؛ و حمید میری، «دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا»، حقوق خصوصی، شماره ۹، ۱۳۸۴.
- فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷.
- قراچورلو، رزا، «انصاف و بی‌طرفی در دادگاه‌های اتحادیه اروپا طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، وکالت، شماره ۱۱، ۱۳۸۱.
- کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- مؤسسه حقوق آمریکا و مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی، اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی، ترجمه مجید پوراستاد، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- ناجی زواره، مرتضی، «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷-۵۶، ۱۳۸۵.
- ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

-
- Collin, Peter, Dictionary of Law, Fourth Edition, Bloomsbury Publishing, 2004.
 - Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darryel; and Elizabeth Wilmshurst, An Introduction to International Criminal Law and Procedure, New York, 2nd Edition, 2010.
 - “Fairness at the International Criminal Court”, An International Bar Association's Human Rights Institute Report, August 2011.
 - Meron, Theodor, “Judicial Independence and Impartiality in International Criminal Tribunals”, The American Journal of International Law, Vol. 99, No 2, April 2003.
 - Office of the High Commissioner for Human Rights in Cooperation with the International Bar Association, Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers, Chapter 4, United Nations, New York and Geneva, 2003.

□
□